

HUMAN RIGHTS & ERADATION OF VIOLENCE ORGANIZATION
Training and Empowerment of Young Advocates Professional Advocates in
Afghanistan

موسسه حقوق بشر و محو خشونت
آموزش و توانمند سازی وکلای جوان افغانستان

نقش وزارت امور زنان در کاهش خشونت علیه زنان

نویسنده: گلجان علییار

ولایت بامیان

سال ۱۳۹۹

گلجان علی یار متولد سال ۱۳۷۶ دانش آموخته ای تحصیلات نیمه عالی در رشته اجتماعیات و محصل رشته حقوق دانشگاه بامیکا می باشد. خانم علی یار یکی از اشتراک کننده های کلینیک حقوقی و محکمه تمثیلی حقوق بشر و محو خشونت در سال ۲۰۲۰ در مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت بوده است.

چکیده

مبارزه با خشونت علیه زنان یکی از گفتمان های مهم حقوق بشری است. و وزارت امور زنان نیز یکی از نهادهای مهم قوه ای اجراییه بوده که به هدف تغییر در زندگی زنان و جبران نارسایی های گذشته تأسیس شده است. باید گفت که مقابله با تمام اشکال خشونت علیه زن برای وزارت ای که برای مبارزه ای ریشه ای و دوامدار ایجاد شده، دارای اهمیت است، ارتکاب اعمال خشونت آمیز علیه زنان در کشورهای جهان و به دلیل آسیب های جدی جسمانی و روحی که بر زنان دارد، به عنوان مهمترین مصداق نقض حقوق زن، محور توجه دولت ها و اعمال راهکارهایی در بخش های مختلف شده است. با این اوصاف خشونت علیه زنان همواره یکی از چالش های مهم در راستای تطبیق کامل حقوق بشری است. این امر منجر به این پرسش است که نقش وزارت امور زنان به عنوان نهاد حامی زنان در قبال مبارزه با پدیده ای خشونت چیست. امروزه و در شرایط فعلی، دولت افغانستان بالخصوص پس از کنفرانس بن و روی کار آمدن نظام جدید سیاسی آمار بلند و افزایش خشونت علیه زنان مواجه است. دولت افغانستان مدعی مبارزه دوامدار علیه خشونت است که علیه زنان اتفاق می افتد.

بنابراین باید متذکر شد که یکی از اقدامات اساسی و مهم دولت افغانستان در امر کاهش خشونت و دفاع از حقوق اساسی و مهم زنان و دختران، ایجاد وزارت امور زنان بوده است. به این اساس پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی نقش وزارت امور زنان را در امر مبارزه با خشونت علیه زنان مورد بررسی قرار می دهد.

کلید واژه گان: حقوق زن، خشونت، وزارت امور زنان

مقدمه

آینده ای حقوق بشری همگانی نیازمند احترام به حقوق همگانی است. در این میان زنان به عنوان نصفی از پیکر جامعه از یک طرف و آسیب پذیر بودن شان در مقابل ستم انسان های درنده خو و خشن نیازمند توجه ویژه ای برای حفظ جسم، روان، شخصیت و حقوق شان می باشد، زیرا اگر حقوق انسانی نیمی از بشریت را بتوان دست کم گرفت، نه تنها از بابت آن زیان خواهند دید بلکه حقوق انسانی هم برای همگان رو به فنا می رود.

در این میان حقوق زنان جدا از حقوق بشر نیست و پسوند زنان در کنار آن برای تأکید بر محرومیت زنان و وجود مرز بندی جنسیتی در دستیابی به حقوق انسانی است. اعطای حقوق حقه ای زنان، نتیجه ای جز قرار گرفتن زنان در فرایند خشونت نخواهند داشت، خشونت همان اندازه ای که برای مردان غیرقابل تحمل است، برای زنان نیز خارج از تحمل خواهد بود، پس عدالت اقتضا میکند که دولت برای حفظ این حقوق و ارزشهای بشری تلاش سیستماتیک نماید. دولت افغانستان با درک این مسأله انسانی، وزارت محترم امور زنان را برای ایجاد تغییرات بینادی و تحقق حقوق اساسی زنان تأسیس نمود.

وزارت امور زنان چقدر توانسته است به وظایف اساسی اش در کلیت به عنوان نهاد مهم قوه اجرائیه دولت افغانستان و به صورت اختصاصی در زمینه امحای خشونت علیه زنان و مبارزه مؤثر با آن عمل کند، در این تحقیق به به بررسی می گیریم. وزارت امور زنان در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان، دارای سه حوزه کاری می باشد، این سه حوزه کاری عبارت اند از بلند بردن سطح آگاهی عمومی جامعه در مورد خشونت و اضرار آن، انسجام فعالیت های تمام نهاد های که در این عرصه فعالیت می نمایند و تدابیر حمایتی و وقایوی برای قربانیان خشونت و یا در معرض خشونت.

مبحث اول: کلیات تحقیق

این مبحث در دو گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: معرفی وزارت امور زنان

وزارت امور زنان بر اساس توافق کنفرانس بن آلمان در چوکات اداره مؤقت افغانستان ایجاد گردید و در ماه قوس ۱۳۸۰ به حیث عضو قوه اجرائیه اداره مؤقت معرفی شد.^۱ کارمندان اناث و ذکور مؤسسه عالی نسوان، میرمنو تولنه و سایر نهادهای که قبلاً در عرصه های حقوق زن فعالیت می‌کردند، جذب و مقرر شدند. وزارت امور زنان در سال ۱۳۸۲ استیراتیژی خود را که متوجه امور خیریه بود، به یک ارگان پالیسی ساز مبدل کرد.

اولین وزیر این وزارت داکتر سیما ثمر بود که از سال ۱۳۸۰ تا اواخر ۱۳۸۱ خدمت کرد بعداً زنان دیگری در رأس این وزارت قرار گرفتند. بر علاوه معینان این وزارت خانه نیز از بدو تأسیس تا کنون خانم ها بوده است که این گامی برای پذیرش حضور زنان در عرصه های دولتی و سیاسی می‌باشد.

وزارت امور زنان دارای ۹ ریاست مرکزی، در مقر وزارت امور زنان و ۳۴ ریاست امور زنان در ولایات می‌باشد (www.mowa.gov.af). اولین مقرر تنظیم اجراءات و فعالیت های وزارت امور زنان به حیث اداره مرکزی به داخل چهار فصل و ۲۴ ماده به اساس مصوبه ای شماره ۳ مورخ ۱۳۸۳/۱/۱۷ مجلس عالی وزرا تصویب و به اساس فرمان شماره ۲۶ مورخ ۱۳۸۳/۳/۴ ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان منظور گردید (www.mowa.gov.af). وزارت امور زنان اکنون بر اساس مقرر «تنظیم اجراءات و فعالیت های وزارت امور زنان» و پالیسی های ملی مصوب این وزارتخانه فعالیت می‌نماید.

گفتار دوم: چیستی خشونت

واژه‌ی خشونت در فرهنگ فارسی درشت شدن، درشتی کردن، درشتی، زبری، ناهمواری، مقابل نرمی، درشتخویی و تندخویی را گویند (عمید، ۱۳۸۳، ص ۵۵۷). اصطلاحاً خشونت رفتاری با قصد و نیت آشکار برای وارد کردن آسیب فیزیکی به فرد دیگر است (طیب، ۱۳۹۶، ص ۴). بر اساس تعریفی که اعلامیه محو خشونت علیه زنان، سازمان ملل متحد ارائه کرده است «خشونت به معنای هر عمل خشونت آمیز بر اساس جنسیت است که منتج یا در حدود منتج شدن به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی و رنجش یا مشکلات زنان شود، به شمول تهدیدات چنین اعمال اجباری یا استبدادی، محروم کردن از آزادی، هرگاه در زندگی عامه یا شخصی واقع گردد». (اعلامیه محو خشونت، ۱۹۹۳، ماده ۱)

نکته قابل توجه در باره خشونت این است که خشونت منعکس کننده عوامل ظاهری جامعه است. یعنی بعضی پدیده ها برای افکار عمومی جالب نیست و تمایلی برای توجه به آن ندارند، ولی خشونت از ردیف این پدیده ها خارج است و هرکس سعی می‌کند آنرا تجزیه و تحلیل نماید. به همین دلیل ارا ئه تعریف واحد و کاملاً پذیرفته شده از مفهوم خشونت امر آسانی نیست (طیب، ۱۳۹۶، ص ۴)

اگر بستر برای خشونت فراهم باشد، بسیاری از افراد به ظاهر «نورمال» جامعه می‌توانند در چشم به هم زدن به موجودات حقیقتاً وحشی و خشن تبدیل گردند. چند سال قبل قضیه فرخنده، عملی که در قلب شهر کابل از جانب جوانان به

۱. رئیس، معاونین و دیگر اعضای اداره مؤقت توسط شرکت کنندگان مذاکرات سازمان ملل متحد در باره افغانستان انتخاب گردیدند. اسامی ایشان در ضمیمه چهارم این موافقتنامه درج است. این انتخاب بر اساس تخصص فنی، اعتبار و شایستگی فردی از میان لست های ارائه شده توسط شرکت کنندگان در مذاکرات سازمان ملل متحد، با توجه به ترکیب قومی، جغرافیایی و مذهبی افغانستان و همچنین با در نظر داشت اهمیت مشارکت زنان در اداره کشور صورت گرفته است.

ظاهر درس خوانده و نکتایی پوش رخ داد. این رویداد نشان دهنده ای تمایل بی حد و حصر انسانها به خشونت و تکه، تکه کردن هم نوعان شان است. البته در باب اینکه انسان ذاتاً خشونت گرا است یا خیر، دانشمندان نظریات متعددی را ارائه نموده اند که ذکر شان بحث جداگانه و فلسفی می طلبد (طیب، ۱۳۹۶، ص ۶-۷). در نتیجه باید گفت که دولت ها به ویژه نهادهای مسئول باید تلاش نمایند که زمینه های خشونت ورزی را از بین ببرند و یا حداقل آن زمینه های که باعث ایجاد خشونت و ظلم و ستم برای زنان می گردد را کاهش دهند تا به تبع آن از خشونت علیه این قشر همیشه محروم، جلوگیری صورت گیرد.

مبحث دوم: نقش وزارت امور زنان در کاهش خشونت علیه زنان

این مبحث در سه گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: پالیسی سازی

وزارت امور زنان یکی از وزارت خانه های دولت افغانستان است. این وزارت بیشتر نقش پالیسی سازی را دارد. لذا این وزارت خانه مجتهدانه تلاش می نماید تا پالیسی های مؤثر و مفید را طرح و تطبیق نماید تا در نتیجه ای آن نه تنها در بخش مبارزه با خشونت بلکه در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تقنینی حقوق مشروع زنان توسعه یابد.

بنأ از وظایف مهم و تعریف شده وزارت امور زنان نیز در مطابقت به مقررہ تنظیم فعالیت هایش، همین مسئولیت پالیسی سازی می باشد. مطابق ماده ۴ مقررہ مذکور «وزارت امور زنان از تطبیق خط مشی های سیاسی و اجتماعی دولت جهت تأمین و توسعه حقوق مشروع زنان در کشور و رعایت قانونیت در زندگی آنها در فعالیت های خویش مسئول می باشد» (مقررہ تنظیم فعالیت ها، ماده ۴). از طرف دیگر باید یاد آور شد که در جامعه ای افغانی به دلایل زیاد از جمله عرف و عنعنات ناپسند و فرهنگ های قبیله‌ای، زنان به خشونت های زیادی مواجه هستند، از سوی دیگر ممکن جدیت لازم در تطبیق قانون منع خشونت علیه زن نزد نهادهای عدلی و قضایی موجود نباشد. بنأ مبارزه علیه خشونت نیازمند تدوین برنامه های است که بتواند با برنامه ریزی های دقیق و جستجوی راه حل های مناسب انجام شود. وزارت امور زنان با درک مشکلات فوق پالیسی های مؤثر را تطبیق می نماید.

پالیسی سازی از آن جهت مهم است که در جامعه دموکراتیک مبنای عملکردها و سپس پاسخگوی ها، باید قواعد مدون موجود باشد. وزارت امور زنان تا کنون «پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت مصوب ۱۳۹۸، پالیسی رسانه ای مراکز حمایتی زنان مصوب ۱۳۹۸، پالیسی محافظت زنان در حالت جنگ و حالت اضطرار، و پالیسی حریمیت مراکز حمایتی مصوب ۱۳۹۸» را ساخته است، پالیسی های نام برده شده هم اکنون در سایت وزارت موجود است.

www.mowa.gov.af

اما متأسفانه تا کنون وزارت امور زنان در زمینه تدوین این پالیسی ها موفقیت چندانی نداشته و ندارد و تعداد پالیسی های این وزارت به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد، در حالیکه مدیریت امور زنان، نیازمند ده ها مورد پالیسی می باشد. به طور نمونه این وزارت با وجودیکه بارها تأکید بر تدوین پالیسی جندر در وزارت خانه ها نموده است اما وزارت امور زنان خود برای تدوین پالیسی ملی جندر اقدام نکرده است، تا از یک طرف مدیریت ملی جندر را در دست می گرفت و هم از تعدد پالیسی های جندر به صورت جداگانه در هر اداره جلوگیری می شد. وزارت مربوطه همچنان تا کنون پالیسی مدون برای حمایت از مجنی علیه خشونت و زنان معروض به خشونت ندارد و پالیسی دیگری که واقعا به آن نیاز مبرم احساس می شود پالیسی انسجام فعالیت های وزارت خانه ها در رابطه به تدابیر وقایوی و حمایتی می باشد، که متأسفانه وجود ندارد و به همین گونه ده ها مورد باید توسط پالیسی های مدون مدیریت شود که وجود ندارد.

گفتار دوم: تعدیل قوانین

مطابق ماده پانزدهم قانون منع خشونت علیه زن که کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن بر مبنای آن ایجاد شده است؛ در رأس این کمیسیون عالی، وزیر امور زنان قرار دارد.^۲ یکی از صلاحیت های مهم کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل قانون منع خشونت می باشد «ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام این قانون» (قانون منع خشونت، ۱۳۸۸، ماده ۱۶، فقره ۵). بنأ یکی از نقش های وزارت امور زنان، در رأس وزیر به همکاری سایر اعضای کمیسیون، تعدیل قانون منع خشونت است. وزارت امور زنان می تواند اعمال جدید خشونت را شناسایی و اقدام به تعدیل قانون منع خشونت نماید.

بر علاوه وزارت امور زنان، در زمینه ای خشونت مطابق نیاز می تواند مسوده قانون را آماده نموده و خواستار طی مراحل آن از سوی حکومت شود. قانون اساسی و قانون طی مراحل اسناد تقنینی در این زمینه چنین صراحت دارد «پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورا و در ساحه ای تنظیم امور قضایی از طرف ستره محکمه توسط حکومت صورت گرفته می تواند». (قانون اساسی، ۱۳۸۲، ماده ۷۵) هم چنان قانون طی مراحل اسناد تقنینی چنین صراحت دارد «(۱) طرح ابتدائی سند تقنینی توسط اداره مربوط، تسوید می گردد. (۲) اداره مکلف است، جهت تسوید طرح ابتدائی سند تقنینی مربوط کمیسیون با صلاحیت را مشتمل بر کارکنان مسلکی با تجربه، متخصص و اهل خبره عرصه ای مربوط تعیین و توظیف نماید. (قانون طی مراحل اسناد تقنینی، ۱۳۹۷، ماده ۱۴)

گفتار سوم: اتخاذ تدابیر حمایتی و وقایوی

۱. تدابیر حمایتی

اگر یک سیاست جنایی سنجیده شده اقدامات پیشگیرانه از جهت ارتکاب جرم به مرحله اجرا در میآید و قانون گذار نیز بایستی به گونه ای عمل نماید که با وضع قوانین حمایتی و بازدارنده از زنان حمایت نماید، اما به یقین قوانین خوب نیازمند مجریان خوب می باشد؛ و صرفاً اصلاح قوانین نمی تواند موجب حمایت از زنان در برابر خشونت گردد. لذا باید علاوه بر پیش بینی جزا برای مرتکب خشونت، تدابیر حمایتی از زنان خشونت دیده به گونه ای تدارک دیده شود که با یک روند محاکماتی سریع و ساده، برای متضرر خشونت احقاق حقوق صورت گیرد.

به عبارت دیگر همانگونه با وقوع جرم متهم قضیه، دارای حقوق مشخص و قابل رعایت می باشد؛ بایستی متضرر خشونت نیز از یک سلسله حقوق حمایتی و انحصاری برخوردار باشد. تا باشد مجنی علیه مورد خشونت ثانویه قرار نگیرد. (فارسانی، ص ۹-۸)

● **تدابیر حمایتی در مرحله کشف:** در مرحله تحقیقات پولیسی یا تحقیقات مقدماتی، باید سازکار حمایتی داشته باشد؛ چرا که اغلب مجنی علیهای خشونت از جانب مردان آسیب می بیند و زنان جهت حفظ آبروی خویش از مراجعه به مراکز پولیس و اعلام شکایت خود داری می کنند. بنابراین از اینکه این مرحله یکی از مهمترین بخش روند رسیدگی محاکماتی می باشد و سنگ بنایی عدالت قضایی را تشکیل می دهد. تدابیر حمایتی می تواند تأثیر مضاعف در حمایت از مجنی علیه داشته باشد (فارسانی، ص ۱۰). هدف از عبارات «تعقیب عدلی مرتکب خشونت»، «دسترسی به

^۲ قانون منع خشونت علیه زن، ۱۳۸۸: ماده ۱۵ «به منظور مبارزه موثر علیه جرایم خشونت و تامین هماهنگی میان ادارات دولتی و غیر دولتی و موسسات ذربیط در زمینه، کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تحت ریاست وزیر امور زنان به ترکیب ذیل ایجاد می گردد: مرستیال لوی سارنوالی، معین زوارت داخله، معین وزارت عدلیه، معین وزارت صحت عامه، معین وزارت اطلاعات و فرهنگ، معین وزارت معارف، معین وزارت تحصیلات عالی، معین وزارت کار و امور اجتماعی، معین وزارت حج و اوقاف، عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر، رییس محکمه اختصاصی فامیلی ولایت کابل و رییس انجمن مستقل وکلای مدافع.

وکیل مدافع و مساعد حقوقی رایگان» و «حفظ محرمانیت موضوع نسبتی» در ماده ۶ قانون منع خشونت علیه زن، در واقع توجه به تدابیر حمایتی مجنی علیه خشونت می باشد از سوی نهادهای مسئول باید رعایت گردد و وزارت امور زنان از آن نظارت منظم داشته باشد. اما شوربختانه در عمل چنین تدابیری کم تر حمایت می شود. هنوز در مرحله کشف، مجنی علیه‌های خشونت دسترسی به مساعد حقوقی ندارد و موضوع محرمانیت نسبتی نیز آن چنانی که باید حفظ شود، نمی شود. در حالیکه پالیسی محرمانیت مراکز حمایتی زنان چنین تأکید دارد: «محرمانیت سایر موضوعات مربوط به زنان متضرر خشونت بر اساس جنسیت و دیگر انواع خشونت از جانب مراکز حمایتی و ارگان های ذیربط حفظ می شود تا حریم خصوصی متضررین حمایت و حفظ گردد» (پالیسی محرمانیت مراکز حمایتی، ۱۳۹۸، ماده ۱). وزارت امور زنان صرفاً پالیسی مذکور را در این زمینه دارد، اما نیاز است یک پالیسی جامع تدوین شود تا موضوع محرمانیت در تمام بخش ها رعایت شود و دسترسی به مساعد حقوقی نیز از مرحله کشف جرم برای متضرر قضیه نیز در نظر گرفته شود.

- **ایجاد مراکز حمایتی:** ایجاد احساس امنیت در مجنی علیه خشونت آن چنان از اهمیت بالایی برخوردار است که باید بلافاصله پس از رسیدگی وضعیت جسمانی وی مورد بررسی قرار گیرد. اصولاً نیازهای زنی که در خانواده مورد خشونت واقع می شود با توجه به وضعیت ویژه ای هر زن تفاوت می کند، گاهی اوقات زن از حمایت مادی و معنوی خانواده یا دوستان و نزدیکان خود برخوردار است، در نتیجه تنها به حمایت های تخصصی نظیر حمایت های صحتی و طب عدلی و یا مشاوره ای یا راهنمایی های حقوقی نیاز دارد، اما در برخی جرایم به ویژه جرایم جنسی و ناموسی زنان سرپناه جز مراکز حمایتی که از سوی حکومت ایجاد شود ندارند و در جاهای که این مکان امن موجود نیست، زنان ناگزیر سکوت می نمایند و از شکایت منصرف می شوند. (فارسانی، ص ۱۷)
- قانون منع خشونت علیه زن با درک این موضوع، مراکز حمایتی را در نظر گرفته و «دسترسی به مراکز حمایتی یا خانه امن یا سایر محلات مصئون به موافقه وی.» را از حقوق اولیه مجنی علیه خشونت دانسته است. (قانون منع خشونت، ۱۳۸۸، ماده ۶). از زمان تصویب قانون منع خشونت علیه زن توسط فرمان تقنینی رئیس جمهور وقت، تا کنون مسئولیت اداره مراکز حمایتی یا خانه امن به دوش وزارت امور زنان است. اما این مراکز توسط مؤسسات خیریه ای همکار دولت ایجاد شده است. این یک اقدام نیک است و بهتر است وزارت امور زنان مراکز حمایتی را به مصارف دولت نیز در جاهای که ضرورت احساس می شود، ایجاد نماید.

۲. تدابیر وقایوی

- **انسجام فعالیت ها:** مطابق صراحت قانون منع خشونت علیه زن «وزارت امور زنان مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان، به همکاری سایر وزارت ها و ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات ذیربط، تدابیر وقایوی و حمایتی ذیل را اتخاذ نماید: (۱) انسجام فعالیت های ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات عرضه کننده خدمات در عرصه جلوگیری از خشونت و تأمین هماهنگی میان آنها» (قانون منع خشونت، ۱۳۸۸، ماده ۸). استفاده معقول از بودیجه ی انکشافی، مساعدت مالی و تخنیک داخلی و خارجی و بلند بردن مؤثریت آنها در ارتقای سطح زندگی زنان که مبارزه با خشونت را نیز شامل می شود از وظایف مهم و کلیدی وزارت امور زنان است (مقررہ تنظیم فعالیت ها، ۱۳۸۳، ماده ۵، فقره ۱). بناً وزارت امور زنان نقشی خوبی در

انجام فعالیت های ادارات دولتی و غیر دولتی داشته و نیاز است که نخست پالیسی ها و پلان های مفید طرح شده و فعالیت ها را برای رسیدن به اهداف مطروحه سوق دهد.

- **آگاهی دهی:** وزارت امور زنان نقش ارزنده ای در جهت بلند بردن سطح آگاهی شهروندان در زمینه ای خشونت دارد. برای این منظور فصلی در قانون منع خشونت به خاطر تدابیر حمایتی و وقایوی اختصاص داده شده است. برخی تدابیر مهم حمایتی در بخش قبلی تذکر داده شد، در اینجا مهم ترین تدابیر وقایوی را که در یک کلمه آگاهی دهی می باشد تذکر داده می شود. قابل ذکر است که تدابیر وقایوی مستقیم و غیر مستقیم مسئولیت وزارت امور زنان است. زیرا انجام فعالیت ها و حصول اطمینان از اجرای صحیح فعالیت ها به عهده ای این وزارت است. فعالیت های که در بخش تدابیر وقایوی مندرج است قرار ذیل است.

اداره مسئول							فعالیت ها
ملاحظات	فرهنگ وزارت اطلاعات و	تحصیلات عالی وزارت	وزارت معارف	وزارت عدلیه	وزارت حج و اوقاف	وزارت امور زنان	
							قانون منع خشونت، ۱۳۸۸، فصل دوم
						✓	انجام فعالیت ها در بخش خشونت
						✓	حصول اطمینان از تطبیق درست برنامه های مربوط به خشونت
	✓	✓	✓	✓	✓	✓	آگاهی دهی در مورد خشونت
		✓	✓	✓	✓	✓	تدویر سمینارها، ورکشاپ ها و کنفرانس ها
		✓	✓				گنجانیدن موضوعات مربوط به خشونت و عواقب آن در نصاب درسی
	✓	✓	✓		✓	✓	نشر و پخش موضوعات مربوط به خشونت و عواقب آن
	✓						جلوگیری از موضوعات ترویج کننده خشونت در رسانه های همگانی

با شرح فوق وزارت امور زنان باید میکانیزم نظارتی جدی برای حصول اطمینان از اجرای فعالیت های مربوط به تدابیر وقایوی داشته باشد. و نیاز است تا یک پالیسی ملی انجام تدابیر وقایوی را تدوین نماید.

نتیجه گیری

مبارزه با انواع خشونت علیه زنان، نیازمند فعالیت های چند وجهی است. بر علاوه اینکه نهادهای عدلی و قضایی در این امور مکلف به رسیدگی هستند و قوانینی نیز در حمایت از حقوق زنان و به ویژه برای امحای خشونت به تصویب رسیده است، نقش وزارت امور زنان را نمی توان نادیده گرفت. فلسفه ایجاد وزارت امور زنان در واقع جبران ستم های گذشته و تأمین شرایط برابر زنان با مردان در جامعه افغانی است. لذا وزارت امور زنان در قسمت کاهش خشونت می تواند نقش های زیادی داشته باشد که به طور نمونه می توان به چند مورد اشاره نمود:

وزارت امور زنان به عنوان یک وزارت پالیسی ساز باید، در بخش های مختلف به تدوین پالیسی بپردازد اما تا اکنون پالیسی ملی واحد جندر، پالیسی رسیدگی به حقوق مجنی علیه و پالیسی انسجام فعالیت های وقایوی و حمایوی وجود ندارد. وزارت امور زنان مطابق صلاحیت های قانونی و با توجه به اینکه مسؤلیت رهبری کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را دارد، می تواند به تسوید قوانین نیز اقدام نماید. بر علاوه تسوید به داد خواهی های خویش نیز ادامه بدهد و به عنوان نهاد ملی و دولتی زنان حرف و نگرانی شان بیشتر تأثیر گزار است. به طور مثال وزارت امور زنان باید بخاطر تصویب قانون منع خشونت و قانون امور خانواده توسط پارلمان تلاش نماید اما تا کنون صدای رسایی شنیده نشده است. وزارت امور زنان نقش ارزنده ای در جهت دهی برنامه های دولت، تطبیق برنامه های مربوط به زنان دارد. در قسمت کاهش خشونت یک سلسله تدابیر وقایوی و حمایوی در قانون منع خشونت علیه زن، در نظر گرفته شده است و وزیر امور زنان مسؤلیت انسجام آنها دارد. اما به دلیل نبود پالیسی انسجام، فعالیت های آن واضح نیست که کدام وزارت خانه ای مربوطه به تکالیف قانونی خویش عمل کرده است و هم چنان وزارت امور زنان باید داد خواهی نماید تا در بخش تدابیر وقایوی و حمایوی در چوکات وزارت خانه ها بودیجه مشخصی در نظر گرفته شود. بنابراین روی هم رفته می توان گفت که وزارت امور زنان به حیث یک نهاد حامی حقوق بشری و اساسی زنان یک ارگان مهم و اساسی بوده، اما متأسفانه در راستای اجرای صلاحیت های وظیفوی خود ضعیف بوده و طوری که باید از حقوق اساسی زنان و دختران دفاع نماید، نتوانسته است در اجرای این مسؤلیت مهم خویش خوب بدرخشد.

پیشنهادات

۱. تدوین پالیسی ملی انسجام فعالیت های تدابیر وقایوی.
۲. تدوین پالیسی ملی جندر.
۳. تدوین پالیسی رسیدگی به حقوق مجنی علیهای خشونت.
۴. ایجاد مراکز حمایوی در تمام ولسوالی ها از سوی دولت و اختصاص بودیجه به آن.
۵. ادغام قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال به قانون منع خشونت علیه زن، تحت عنوان قانون منع خشونت علیه زن و اطفال.
۶. تلاش پیگیر برای تصویب قانون امور خانواده و قانون منع خشونت از سوی پارلمان.

منابع

۱. عمید، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۲. طیب، عاطفه (۱۳۹۶). سنگ و سار، چاپ اول، نشر خزان، ۱۳۹۶.
۳. سازمان ملل متحد (۱۹۹۳م). اعلامیه محو خشونت علیه زن.
۴. راهکشی، حمیده (بی تا)، نقش مداخله دولت ها در خشونت خانگی علیه زنان از منظر حقوق بشر، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان.
۵. فارسانی، امین امیریان و سیمین ازادیان (بی تا)، حمایت های کیفی از زنان در برابر خشونت، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان.
۶. وزارت عدلیه (۱۳۸۲). قانون اساسی افغانستان، جریده رسمی شماره ۸۱۸.
۷. وزارت عدلیه (۱۳۸۸). قانون منع خشونت علیه زن، جریده رسمی شماره ۹۸۹.
۸. وزارت عدلیه (۱۳۸۳) مقررہ تنظیم اجراءات و فعالیت وزارت مور زنان، جریده رسمی شماره ۸۳۰.
۹. وزارت امور زنان (۱۳۹۸). پالیسی دسترسی زنان به حق میراث و مالکیت، سایت وزارت مربوطه.
www.mowa.gov.af
۱۰. وزارت امور زنان (۱۳۹۸). پالیسی رسانه ای مراکز حمایتی زنان، سایت وزارت مربوطه.
www.mowa.gov.af
۱۱. وزارت امور زنان (بی تا). پالیسی حمایت از زنان در حالات جنگ و حالت اضطرار، سایت وزارت مربوطه.
www.mowa.gov.af
۱۲. وزارت امور زنان (۱۳۹۸). پالیسی محرمیت مراکز حمایتی زنان، سایت وزارت مربوطه.
www.mowa.gov.af
۱۳. سایت رسمی وزارت امور زنان. www.mowa.gov.af